

فرهنگیچان

فرهنگیچان

<div><div> </div><div></div></div>
یکشنبه ۱۹ فروردین ۱۴۰۳
<div><div> </div><div></div></div>
شماره ۴۱۰۸
<div><div> </div><div></div></div>
www.fdn.ir
<div><div> </div><div></div></div>
FARHIKHTEGANDAILY

فرهنگیچان

حملات تروریستی چند جانبه در جنوب استان سیستان وبلوچستان آن هم به فاصله چند روز از حمله موشکی رژیم صهیونیستی به کنسولگری ایران در دمشق گزاره‌هایی خوبی برای تحلیل رفتار تروریست‌های شرق کشور می‌دهد. تروریست‌هایی که به تقلید از اپوزیسیون خارج نشین برای پیدا کردن اسپانسر مالی پشت دروازه‌های تل آویو به صف شده‌اند. نکته جالب توجه درمورد بلوای جنوب استان اما بیش از آنکه اقدامات ترویستی باشد که به اقتضای خوی وحشیگری صورت می‌گیرد، اظهارات دوپهلوی برخی چهره‌هاست که به جای محکومیت تروریست برای حاکمیت نسنخه‌گفت‌وگو و به رسمیت شناختن آن را می‌پیچند. مولوی عبدالحمید که در طی یک‌سال‌ونیم گذشته مواضعش جنجال‌برانگیز شده و مدام در رسانه‌های معاند بازنشر می‌شود درمورد حوادث تروریستی چابهار و راسک نیز ترک عادت نکرده و در اظهار نظری عجیب حاکمیت و جیش‌الظلم را دعوت به گفت‌وگو کرده است بدون اینکه کلمه‌ای در تقیح این گروه تروریستی بیان کرده باشد. اظهارات عبدالحمید در نمازجمعه هفته گذشته مسجد مکی تناقضات شاذ دیگری نیز دارد که باعث می‌شود متن خطابه او با متن بیانیه جیش‌الظلم اشتراکات جالب‌توجهی پیدا کند. در ادامه ضمن بررسی این تناقضات با پیرمحمد ملازهی، کارشناس مسائل شبه‌قاره نیز به گفت‌وگو پرداخته و اثرات اقدامات تروریستی بر توسعه منطقه و معیشت مردم را بررسی کرده‌ایم.

طنز آشنا

امام جمعه مسجد مکی در سخنرانی روز جمعه خود بدون اینکه جمله‌ای در محکومیت گروهک تروریستی جیش‌الظلم بگوید صرفا نامتی را مضمون دانست و دو طرف درگیری(حاکمیت و تروریست‌ها) را دعوت به گفت‌وگو کرد؛ «ما به طرفین توصیه می‌کنیم به جای گلوله و درگیری و خونریزی، باهمدیگر بنشینند و با صحبت و گفت‌وگو مسائل و مشکلات‌شان را حل کنند.» عبدالحمید با این شیوه اظهارنظر سعی داشته از مقامات سازمان‌های بین‌المللی تحت سیطره غربی‌ها تقلید کند. سازمان‌هایی که پس از انبوهی از جنایات رژیم صهیونیستی هنوز در اعلام اینکه رژیم صهیونیستی دست به نسل‌کشی زده است یا نه تردید دارند و بدون اینکه رژیم صهیونیستی مجهز به سلاح‌های کشتار جمعی را مهار کنند طرفین را دعوت به گفت‌وگو می‌کنند. طنز تلخی که این‌بار عبدالحمید آن را تکرار کرده است.

با فرعون و ابوجهل در نیل و بدرگفت‌وگومی‌کنند

علاوه بر زیر سوال بودن ماهیت گفت‌وگو با تروریست‌ها، استدلالی که عبدالحمید آن را دستاویز توجیه کردن تروریست قرار می‌دهد نیز جالب توجه است. عبدالحمید بدون اینکه به سرنوشت ابوجهل و فرعون و ابولهب اشاره کند معتقد است باید با حرف درست آنها را نیز روی چشم قرار داد؛ «اما اگر طرف مقابل ما ابوجهل و ابولهب و فرعون هم باشد باید حرفش را بشنوم. حضرت موسی علیه‌السلام حرف فرعون و حضرت رسول صلی‌الله علیه‌وسلم حرف ابوجهل و ابولهب را شنید. لذا اگر ابوجهل‌های زمان‌تان هم با شما حرفی دارند حرف‌شان را بشنوید و ببینید چه می‌گویند؛ جایی که حرف‌شان اشتباه است به آنها بگویید که اشتباه است، اما حرف درست را باید روی چشم گذاشت.» این استدلال درحالی مطرح می‌شود که نزاع بین موسی و فرعون به غرق شدن فرعونیان در نیل انجامید. ابوجهل در جنگ بدر در مقابل پیامبر

درباره پیشنهاد طنزگونه جناب عبدالحمید پس از واقعه شرق کشور

سردسته تروریست‌ها را می‌شناسید که پیشنهاد گفت‌وگو می‌دهید؟

به هلاکت رسید و ابولهب نیز که در جنگ بدر بیمار و زمین‌گیر بود پس از جنگ به طرز شنیعی به هلاکت رسید. درمورد هیچ‌کدام از سه شخصیت مذکور از ابتدا بنایی بر این نبوده است که حضرت موسی و حضرت محمد اظهارات کفار را روی چشم قرار بدهند. گفت‌وگویی نیز اگر صورت گرفته صرفا با هدف اتمام حجت بوده و پس از آن نیز نیل و شمشیر نزاغ را تعیین تکلیف کرده‌اند. درمورد گروه‌های تروریستی که هر چند روز یک بار آتش به سمت سینه حافظان امنیت نشانه می‌روند نیز حجت تمام شده و چاره‌ای جز تیغ عدالت باقی نمانده است.

جای علت و معلول را عوض نکنید

پیش از این در یادداشتی که با عنوان تروریست‌های توسعه در «فرهیختگان» منتشر شد به تناقضاتی که در بیانیه جیش‌العدل با هدف توجیه جنایات اخیر آمده است پرداخته شده اما مهم‌ترین استدلال این بیانیه جلوگیری از توسعه سواحل مکران با هدف جلوگیری از برهم خوردن بافت قومی منطقه عنوان شده است. امام جمعه مسجد مکی در اظهار نظری انتقادی می‌گوید: «زمانی بود که مردم اصلاحات می‌خواستند، اما الان مردم از اصلاحات بریده‌اند و به اصلاحات راضی نمی‌شوند، بلکه خواستار تغییرات عمیق و ژرف هستند. مردم اقتصاد قوی و پایدار را خواهند.» عبدالحمید درحالی فقدان اقتصاد پایدار را بهانه‌ای برای تغییرات ژرف می‌داند که هیچ مزبندی با بیانیه ضدتوسعه جیش‌الظلم نداشته است. درحالی‌که توسعه سواحل پایدار یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد اشتغال و بهبود وضعیتی معیشتی ساکنان منطقه محسوب می‌شود، جیش‌الظلم صریحا جلوگیری از آن را به عنوان هدف اقدامات تروریستی خود دانسته و عبدالحمید نیز که درای دفاع از اقتصاد قوی پایدار را بر تن کرده و شعار آن را می‌دهد حتی حاضر نشده با جیش‌العدل مزبندی کرده و آن را محکوم کند. درحالی‌که اقدامات تروریستی یکی از مهم‌ترین علت‌های اقتصاد ناپایدار منطقه محسوب می‌شود، عبدالحمید سعی دارد جای علت و معلول را عوض کرده و آن را عامل اعتراضاتی معرفی کند که اقدامات تروریستی را توجیه‌پذیر می‌کند.

دست داعش از آستین جیش‌العدل بیرون زد

گروه تروریستی داعش که متهم به همکاری با صهیونیست‌ها است -در زمان نبرد سوریه نیز تصاویر مداوای نیروهای داعش در اسرائیل در فضای رسانه‌ای منتشر شده بود- یکی از ساکنان در مقابل جنایات رژیم صهیونیستی علیه مردم غزه محسوب می‌شد. این سکوت باعث شده بود تا گزاره همکاری آنها با صهیونیست‌ها در ذهن مردم جهان پرزنگ شود. این گروه برای اینکه از خود رفع اتهام کندا اختیراطی بیانیه‌ای سعی داشت سکوت خود را توجیه کرده و از خود رفع اتهام کند. در بخشی از این بیانیه آمده بود: «چند برابر آنچه در غزه رخ می‌دهد چند سال قبل در سرزمین‌های خلافت در عراق و شام رخ داده بود، همچنین در برمه و چین و هند هم رخ می‌هد؛» داعش با چنین عباراتی سعی داشت تا شدت جنایت در غزه را کم جلوه داد و سکوت چند ماه خود را توجیه‌پذیر کند. این گروه ترویستی درحالی در بیان بیانیه خود مسلمانان را دعوت به اقدامات فردی علیه صهیونیست‌ها کرد که در این استراتژی هیچ نقشی برای خود تعریف نکرده بود تا همچنان مجبور نباشد در برابر حامی مالی خود بایستد. حادثه ترویستی اخیر در چابهار و راسک و تشابه آن با شیوه عملیات‌های داعش باعث شد تا اکنون بهتر درک شود که چرا این گروه برای تقابل با رژیم صهیونیستی برای خود نقشی تعریف نکرده است. پاسخ این است که داعش با دریافت حمایت‌های مالی و تسلیحاتی از رژیم صهیونیستی همچنان مسلمانان را مهم‌ترین هدف

درباره ۲ متن مبتدل از یک مترجم و یک منبری

جامعه نمایشی ممکن است شما را طرفدار اسرائیل کند!

نمی‌دهند و تلاش دارند تا این گزاره را ارائه کنند که جامعه ایرانی هم نسبت به مساله فلسطین اهمیت چندانی نمی‌دهند و تنها در حد خواست سیاستمداران و نظام حکمرانی باقی مانده است. درحالی‌که تعمیم این موضوع به کل جامعه ایرانی صحیح نبوده و عدم صحت خود را در اتفاقاتی مثل راهپیمایی روز قدس و حضور طیف‌های مختلف مردم نشان می‌داد، این موضوع نشان‌دهنده این است که شناخت و درک درستی از طیف‌ها و گروه‌های مختلف مردم در ایران از جانب این روشنفکران وجود ندارد.

خودتحقیری با ژست روشنفکری

سکوت، ارائه تحلیل وارونه از نگاه مردم ایران، یک بخش از اشتباه فاحش برخی از روشنفکران به حساب می‌آید. در سمت دیگر به نظر می‌رسد برخلاف ادعای ملی‌گرایانه آنها امرملی، هویت و تحقیر وطن و ملت در تحلیل‌های آنها به وضوح مشاهده می‌شود. امری که نشان می‌دهد در نگاه این روشنفکران، غرب و قدرت آن در جهان حتی از ملیت و وطن ایرانی‌شان اهمیت بیشتری دارد. ماجرای حمله به کنسولگری ایران در دمشق از موضوعاتی بود که بحث‌های زیادی در میان کارشناسان و تحلیلگران منطقه به راه انداخت. محل اختلاف و تضارب آرا میان کارشناسان این بود که چطور باید به این حمله پاسخ داد. برخی این حمله را در راستای فشار اسرائیل و تلاش برای کشتاندن ایران به جنگ می‌دانستند. آنها معتقد بودند ایران الان در وضعیت خوبی قرار دارد و نباید وارد بازی اسرائیل که ناشی از شکستش در غزه است شود. در سمت مقابل اما تحلیلگران معتقد بودند نوع مواجهه ما با حملات صهیونیستی‌ها منجر شده که اسرائیل مستقیما فرماندهان ایرانی را در مکان دیپلماتیک متعلق به ایران هدف قرار دهد و نیاز است ایران استراتژی خود در مواجهه با اسرائیل را تغییر بدهد و هزینه اقدامات اینچنینی برای اسرائیل را بالا ببرد. در میان این تحلیل و تضارب آرا میان تحلیلگران منطقه، بیژن اشتری، نویسنده و روشنفکر ایرانی در واکنش به این اتفاق و واکنش مردم برای پاسخ دادن به این حمله نوشت: «ای شمایی که در حرکت‌های تاکتیکی نابغه‌اید و در استراتژی جاهل به تمام معنا، آیا به اندازه کافی عقل‌تان می‌رسد که بفهمید طرف مقابل با قدرتی ۱۰ برابر شما پاسخ حمله موشکی یا پهپادی شما را خواهد داد؟ طرف مقابل صدمه‌ها بسیار همه‌انگیز دارد و فقط کافی است یکی دوتا از این بمب‌ها را به کار بگردی تا سیسات اتمی شما را یا قراگاره‌های نظامی شما را بمباران کند.» جدای از اینکه در نگاه اشتری تحلیل دقیق و درستی از قدرت ایران در منطقه و شرایط فعلی اسرائیل برای ورود به

خود تعریف کرده و جنایات یک دهه اخیر را نیز علیه مسلمانان تکرار می‌کند. در تشریح دلایل وابستگی جیش‌العدل به داعش نیز علاوه بر هویت غیرایرانی عاملان حمله ترویستی نوع عملیات آنها که متکی به روش‌های انتحاری بود جالب توجه است.

اقدامات ترویستی انگیزه‌ها

برای سرمایه‌گذاری بلندمدت را از بین می‌برد

برای بررسی ماهیت اقدامات تروریستی اخیر در جنوب سیستان وبلوچستان و آسیب‌های آن به توسعه منطقه با پیرمحمد ملازهی، کارشناس شبه‌قاره به گفت‌وگو پرداخته‌ایم. ملازهی درمورد آسیب‌های اقدامات تروریستی به اقتصاد منطقه معتقد است؛ «امید این بود که با طرح توسعه مکران و منطقه آزاد تجاری چابهار بتوانند سرمایه‌های داخلی و خارجی را جذب کنند و برنامه توسعه را پیش ببرند اما حقیقت این است که با این نوع حرکت‌هایی که در منطقه انجام می‌شود و امنیت منطقه را به خطر می‌اندازد هیچ بخش خصوصی و دولتی آن انگیزه و اطمینان لازم را پیدا نمی‌کند تا سرمایه‌گذاری بلندمدت انجام بدهد که برایش سودده باشد و به نظر من می‌آید که نه‌تنها سرمایه‌ای جذب منطقه نخواهد شد بلکه حتی کسانی هم که تاکنون روی منطقه سرمایه‌گذاری کرده‌اند احساس خطر می‌کنند و اگر بتوانند سرمایه‌هایشان را به جای دیگری منتقل می‌کنند تا امنیت سرمایه‌شان تامین شود، حتی در سطح خیلی محدود ممکن است این اتفاق بیفتد. مثلا حتی مردم محلی که خودشان سرمایه‌گذاری کرده‌اند سعی می‌کنند سرمایه‌شان را به‌طور مثال به تهران بیاورند تا خانه‌ای بخرند یا یک جایی سرمایه‌گذاری کنند و پول‌شان را از آنجا خارج کنند. بنابراین از هر زاویه‌ای که نگاه کنید متاسفانه این نوع حرکت‌های تروریستی راه به جایی نمی‌برد. این طوری هیچ اتفاق مثبتی در سیستان وبلوچستان رخ نمی‌دهد و هیچ توسعه‌ای اتفاق نمی‌افتد و اگر مژم هم همان‌طور که پیش‌بینی می‌شود به‌طور کامل بسته شود همین گریزگاه حداقلی که وجود دارد تا مردم از طریق سوخت‌بری زندگی‌شان را پیش ببرند آن هم از بین برود فکر نمی‌کنم شرایطی به وجود بیاید که کسی مایل باشد در این منطقه سرمایه‌گذاری کند.»

ادعای اسکان جمعیت چند میلیونی درسیستان وبلوچستان تخیلی است

یکی از ادعاهایی که گروهک موسوم به جیش‌العدل درمورد چرابی اقدامات ترویستی خود مطرح کرده بود جلوگیری از انتقال جمعیت هفت میلیونی به جنوب سیستان وبلوچستان و برهم زدن بافت قومیتی منطقه است. ملازهی این ادعا را این‌گونه رد می‌کند: «زمانی که مساله طرح توسعه مکران مطرح شد زمان آقای روحانی و جهانگیری بود. جهانگیری آمد حرفی را مطرح کرد که بلافاصله با واکنش منفی در منطقه روبه‌رو شد. جهانگیری ادعا کرد ما می‌خواهیم چند شهر جدید در این منطقه بسازیم و بعد ۵ تا ۱۰ میلیون نفر را از مرکز و استان‌های شمالی که جمعیت بالایی دارند جابه‌جا کنیم. این حرف اصلا حساب شده نبود. خودشان هم می‌دانستند که پیامد این مساله چه چیزی است و اصلااین منطقه ظرفیتی چنین چیزی را ندارد. شما اول باید در چابهار یا تیس که شهری در اطراف چابهار است آب خوردن آن را تامین کنی. الان آنجا اصلا آب نیست. تو چطور می‌خواهی در جایی که آب خوردن وجود ندارد جمعیت جابه‌جا کنی. بعد هم کسانی که از یک منطقه‌ای به منطقه دیگر می‌روند در بلندمدت باید ماندگار باشند. همین حالا شما ممکن است امتیازاتی بدهی. مثلا کار بدهی، زمین بدهی، ساختمان

بدهی، خانه بدهی، ولی همین آدم به محض اینکه احساس کند وضعیتش بهتر شده‌است سعی می‌کند مجدداً به همان منطقه‌ای برگردد که از آن آمده‌است. به این سادگی نیست که شما بگویی جابه‌جایی جمعیت انجام می‌دهم و این حرف تخیلی است و متاسفانه در بیانیه اخیر جیش‌العدل نیز از این حرف اشتباه استفاده ابزاری شده بود.»

مطالبه صحیح

استفاده از ظرفیت بومی منطقه است

فارغ از اینکه ایدئ انتقال جمعیت منطقی یا غیرمنطقی باشد ماهیت آن را نمی‌توان بدون دلیل زیر سوال برد. سال‌هاست در استان‌های مختلف مهاجرت وجود دارد و ترکیبی از جامعه ایران در اقصی نقاط کشور با یکدیگر همزیستی و تعامل دارند. بنابراین مقاومت در برابر همزیستی قومیتی بالذات امری غلط و ناشدنی است. لذا بیانیه گروهک موسوم به جیش‌الظلم از این جنبه کاملاًزیر سوال می‌رود. مطالبه صحیح که باید به آن توجه شود تا دستاویزی برای سوء استفاده گروه‌های ترویستی به وجود نیاید بومی‌گزینی است. پیرمحمد ملازهی این مطالبه را این‌گونه تشریح می‌کند: «باید در طرح توسعه مکران جایگاه بومیان تعریف شود. بسیاری از مدیران در استان پروازی هستند. در دستگاه‌هایی‌که به طرح توسعه مکران مربوط هستند اگر نگاه کنیم خیلی نقش موثری که به بومیان سپرده شده باشد نمی‌بینیم. این باید اصلاح شود. برخی دارند این ذهنیت را می‌سازند که دولت مکران را بدون حضور بومیان می‌خواهد. این ذهنیت زمانی اصلاح می‌شود که به جایگاه متخصصین بومی هم توجه شود. نباید اصرار شود که مدیران از تهران به‌صورت پروازی به استان رفت و آمد داشته باشند. الان هم یک تضاد قومی به وجود آمده و تضادهای مذهبی هم تشدید می‌شود. هیچ کس دنبال این نیست اما باید بررسی دقیق و جامعه‌شناسانه‌ای صورت بگیرد. این ایرادات فرصت را در اختیار گروه‌های ترویستی قرار می‌دهد تا با سوء استفاده از مطالبات مردم برای خودشان مشروعیت‌زایی کنند.»

با گروه‌های ترویستی نمی‌شود گفت‌وگو کرد

یکی از برداشت‌هایی که از متن سخنرانی روز جمعه عبدالحمید، امام جمعه مسجد مکی زاهدان برداشت می‌شود این است که او خواهان گفت‌وگو با گروه‌های تروریستی است. شاید به همین دلیل است که اقدام این گروه را محکوم نکرده است. این امر که به‌نوعی به رسمیت شناختن گروه‌های ترویستی محسوب می‌شود توسط پیرمحمد ملازهی نیز رد می‌شود. این کارشناس مسائل شبه‌قاره گفت‌وگو با تروریست‌ها را این‌گونه رد می‌کند: «با این گروه‌ها نمی‌شود وارد گفت‌وگو شد. برای اینکه این گروه‌ها الان ماهیت انفرادی ندارند و به نهادهای خارجی وصل هستند. جیش‌العدل دنباله‌ورویگی است و الان اینها به منابع خارجی و احتمالا به داعش وصل شده‌اند. نشانه‌هایی وجود دارد که عاملان حملات چابهار نیروهای انتحاری بوده‌اند و هویت‌های غیرایرانی تاجیک و پشتون داشته‌اند. اگر این اطلاعات که مقامات رسمی باید آن را تأیید کنند واقعیت داشته‌باشد این افراد تروریست‌های داعشی بوده‌اند. مردم می‌گویند اینها به زبان پشتون صحبت می‌کردند. اگر این قطعی شود وضعیت بسیار فرق می‌کند. دیگر نمی‌شود با رهبر جیش‌العدل وارد مذاکره شد چون اینها در یک چهارچوب دیگری عمل می‌کنند. مساله‌شان خلافت است، مساله‌شان تضاد با بین شیعه و سنی است و مساله کلی‌تری تحت عنوان حاکمیت بر شرق ایران یا همان خراسان دارند که داعش آن را بخشی از قلمرو خود می‌داند، بنابراین با آنها نمی‌شود گفت‌وگو کرد.»

مطالبه صحیح

فرهنگیچان

فرهنگیچان

از حمله نظامی حمایت کرده است؟ واقعیت این است که اگر بخواهیم جامعه ایرانی و خواست آن را از طریق آنچه رسانه‌های فارسی‌زبان بیان می‌کنند، تحلیل کنیم، خروجی آن ارائه همین نقطه‌نظرات است که گاهی فرسنگ‌ها با جامعه ایرانی فاصله دارد.

به قیمت جذب مخاطب، جنایت را تئوریزه نکنیم

تحقیر ایران و ایرانی اما تنها به همین جا محدود نمی‌ماند. به نظر می‌رسد برخی هنوز نمی‌توانند میان مسائل و مشکلاتی که در کشور وجود دارد، تفکیک قائل شوند. همه چیز را درهم دیدن و جدا نکردن آنها از هم آسیب دیگری است که در برخی اظهارنظرها دیده می‌شود. اخیرا حسن آقامیری در صحبت‌هایش، در انتقاد به تصادف‌های رخ‌داده در تعطیلات عید، این میزان را با تعداد شهدای غزه مقایسه می‌کند و می‌گوید: «مشکل خودرو را اسرائیل درست کرده یا آمریکا؛ ما خودمان یک اسرائیل داریم که دارد در جاده‌ها میانه‌های ما را می‌کشد.» سوال اصلی این است که اساسا چه ارتباطی میان این دو اتفاق وجود دارد که آقامیری آنها را با یک‌دیگر مقایسه می‌کند. در یک سمت ماجرایک جنایت سازمان‌یافته و هدفمند برای نابودی مردم غزه وجود دارد اما در نقطه مقابل تصادفات جاده‌ای است که هم موضوع مهم و موردتوجهی است هم سال‌هاست انتقادات به مشکلات خودرو از جانب‌های گروه‌های مختلف مطرح می‌شود اما این چه قیاس فارغی است که آقامیری با این دوافع می‌کند؟ در پس اظهارنظرهایی، نوعی تقلیل ماجرا، کوچک انگاشتن جنایت غزه و عادی‌سازی آن دیده می‌شود. به‌نظر می‌رسد آنچه بیش از همه در این اظهارات اهمیت دارد، ربط دادن همه‌چیز به همه چیز است، تا تنها مخاطب را جذب کند اما در پس آن تنها جنایتی مثل نسل‌کشی در غزه در حد تصادفات جاده‌ای کوچک انگاشته می‌شود. نکته دیگر آنکه لازم نیست حتما برای نشان دادن خشم و ناراحتی خودمان با اتفاقاتی که در داخل رخ می‌دهد آنها را با بدترین چیزها و بدترین رویدادها مقایسه کنیم. صفر و صدی نگاه کردن به هرچیز آسیب‌زننده است و مساله‌ای را حل نمی‌کند.

با این حال در اظهارنظرهای آقامیری هم تلاش برای تحقیر و ایجاد خشم و ناراحتی در میان مردم احساس می‌شود. واقعیت این است که ریشه اظهارات اینچنینی که جامعه ایرانی با آن مواجه است، در حس خودتحقیری، کوچک گشتن و بی‌تلاش برای یکی دانستن برخی اقدامات در مقایسه با اقدامات صهیونیست‌هاست که با ادعاهایی مثل روشنفکری یا دنبال کردن اسلام رحمانی مطرح می‌شود اما درست برخلاف آنچه ادعا می‌کند عمل می‌کند.